

# روش املاي زبان دري

پذيرفته انجمن نويسنده گان افغانستان

به كوشش پويا فاريابي

چاپ اول در مطبوعه تعليم و تربيه

كابل - ۱۳۶۳

تيراژ: ۱۰۱۰۰ جلد

انتشار متن تجديد نظر شده رساله

به شكل فايل پي.دي.اف. PDF از سوي

سایت انترنيتي « دانشپسند افغان »

<http://daneshpesande-afghan.com>

جمهوري فدرالي آلمان

تاريخ انتشار: 07.03.2006

اين رساله به شكل فايل PDF به طور مجاني در اختيار تمام علاقمندان قرار داده ميشود. ميتوانيد آن را در حافظه كمپيوتر حفظ كنيد، توسط چاپگر يا پرينتر چاپ كنيد و اگر به هر وسيله ديگر تكثير نموده در اختيار علاقمندان قرار بدهيد، خدمت بزرگي را انجام داده ايد.

## يادداشت

- در نگارش «روش املاي زبان دري» كه براي تعميم و ترويج روش همگون املايي صورت گرفته، اصلهاي زيرين در نظر بوده است:
- ساختمان دستوري و واكشناختي زبان دري،
  - آساني آموزش و خوانش،
  - آسانسازي نوشتن و پرهيز از نگاشتن صورتهاي ناهنجار واژه ها،
  - هماهنگي نسبي بين صورتهاي نوشتاري و گفتاري،
  - زبانشناسي معاصر،
  - دستيابي به معيارهاي عام و کاهش موارد خاص املايي.

## يادداستي بر چاپ دوم

چاپ مجدد «روش املاي زبان دري» در بيرون از کشور يك ضرورت بود. برخي از کانونها و مراکز روشنفکري، چه بسا سياسي و وابسته به احزاب و سازمانهاي گوناگون، که در کشورهاي مختلف آسيا، اروپا و امريکا گشايش يافته به فعاليتهاي ويژه سياسي-فرهنگي پرداخته اند، مسأله نشر و چاپ جريده، مجله و آثار مستقل را نيز هدف هاي اصلي خود به شمار آورده اند. همين اکنون ده ها جريده و مجله از سوي اين کانونها و مراکز و برخي از فرهنگيان در بيرون از کشور به نشر ميرسند. اما به گونه يي که ديده ميشود ناهمگونيهاي فراوان املايي بر همه اين جرايد و مجله ها سایه افکنده است. خواننده تيزهوش با يك نگاه گذرا در مييابد که هيچ يك از نشریه هاي کانونها و مراکز فرهنگي و سياسي، يا نشریه هايي که از سوي افراد معين به نشر ميرسند، از وحدت و يگانه گي املايي و نگارشي برخوردار نيستند. اگرچه از پراکنده گي و نابساماني املايي و نگارشي نشریه هاي کشور در درازاي نيم سده گذشته نيز نميتوان چشم پوشيد. باري درک و دريافت همين مسأله بود که ضرورت فراهم آوري، نگارش و نشر رساله «روش املاي زبان دري» را به ميان آورد. انجمن نويسنده گان افغانستان به مثابه کانون مسؤول مسایل فرهنگي کشور براي بر آوردن اين نياز ويژه فرهنگي کوشيد و رساله ياد شده را به ياري و همکاري استادان زبان و ادبيات فارسي دري دانشگاه کابل آماده نمود. سپس در سال ۱۳۶۳ به تيراز ۱۰۱۰۰ جلد چاپ و پخش کرد. اين رساله کوچک بنا بر سودمند بودنش، توجه خواننده گان، به ويژه شاگردان، آموزگاران و مراکز آموزشي و نشراتي را در مقياس کل کشور جلب کرد و در جريان سالهاي گذشته همه نسخه هاي آن به فروش رسيد. نگارنده گواه است که اين رساله در سالهاي پسين کمياب شده بود.

خوشبختانه جناب داکتر محمد سالم سپارک، يکي از بنيانگذاران «کانون روشنگران افغانستان» با درک ضرورت هماهنگي و يکپارچه گي املايي در نشریه هاي گوناگون بيرون از کشور آماده گي نشان داد که رساله را تجديد چاپ کند. بنا بر اين، متن تازه تايپ شده رساله را در دسترس نگارنده گذاشت و خواهش کرد که نگاهی تازه بر آن افکنده شود. باري تغيير و تعديلي که در کليت متن رساله آورده شد، بسيار اندک و جزئي بود. براي اين که خواننده به ويژه گروه استاداني که در فراهم آوردن و به نشر رساندن کار رساله کوشيده بودند، بدانند که چه نوع تغيير و تعديلي در متن تجديد نظر شده رساله آورده شده است، سه مورد را ياد آور ميشوم. بقيه را خود استادان به هنگام مطالعه مقاييسي چاپ پيشين و کنوني رساله در خواهند يافت.

۱ - به حذف يا تغيير برخي از مثالهاي پرداخته شد که به هنگام فراهم آوري متن رساله ، آوردن و گنجاندن آن مثالها در متن ، گونه يي از ناگذيري به شمار ميرفت.

۲ - به جاي برخي از واژه ها و اصطلاحات دخیل و لقبهاي علمي برخي از استادان ، که براي خواننده فارسي زبان ناآشنا و سؤال برانگيز بود ، واژه ها و اصطلاحات رایج در زبان فارسي دري آورده شد که معنای آنها براي همه خواننده گان روشن و قابل فهم باشد. باري اين تغيير و تعديل تنها به منظور همه گاني ساختن مفاد رساله انجام يافته است.

۳ - ديگر اين که، نام «اتحاديه نويسنده گان ج.د.ا.» به «انجمن نويسنده گان افغانستان» تعديل يافت.

در فرجام از جناب داکتر محمد سالم سپارک ، که کار تايپ کمپيوتري رساله را انجام داده و در به سر رساندن چاپ و انتشار انترنيتي رساله کوشاست ، صميمانه سپاسگذاريم.  
باور بايد داشت که خواندن و به کار بردن مندرجات اين رساله از پراگنده گي و نابساماني موجود املايي در نشرات کشور و بيرون از کشور ، خواهد کاست.

پويا فاريابي

لندن ، دسمبر ۱۹۹۵

## اظهار امتنان

ناهمگونی املاي واژه ها ، پراگنده گی کنونی اشکال نوشتن کلمه ها ، اختلافات و تفاوتهاي آشکار در زمینه های املا و نشانه گذاری ، ویژه گیهای نظام ریشه دار و تحول یافته املاي و نگارش زبان دري ، دستاوردهای تازه زبانشناسی و پژوهشهای نوین در زمینه های زبان ، ادبیات و شیوه های نگارش و جنبش نیرومند سوادآموزی در کشور ، همه و همه یک بار دیگر ضرورت همگونسازی املاي زبان دري و نشانه گذاری را در برابر نسلهای امروز و فردای کشور قرار داده است.

انجمن نویسنده گان با شناخت این ضرورت فرهنگی جامعه و به مقصد همگونسازی املاي واژه های زبان دري و نشانه گذاری از استادان دانشگاه کابل ، دانشمندان اکادمی علوم و اعضای مسلکی انجمن نویسنده گان کمیسیونی را متشکل ساخت. اعضای اصلی این کمیسیون عبارت بودند از:

۱- پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید

۲- پوهاند محمد رحیم الهام

۳- پوهاند محمد عمر زاهدی

۴- واصف باختري

۵- اعظم رهنورد زریاب

۶- استاد لطیف ناظمی

۷- استاد پویا فاریابی

باید با سپاس فراوان یادآوری کرد که علاوه از اعضای اصلی کمیسیون ، که به صورت منظم در جلسات اشتراک فعال داشتند، شادروان پوهاند عبدالحی حبیبی ، پوهاند سرور همایون و محقق رضا مایل هروی نیز به حیث مشاور در برخی از جلسات اشتراک میورزیدند.

اعضای اصلی و مشاور کمیسیون طی جلسات متناوب و طولانی که قریب سه سال را در بر گرفت ، در زمینه موضوعهای گوناگون املاي و نشانه گذاری ، بحثهای علمی ، گفتگوهای گسترده و ژرف و تبادل نظر کردند. فیصله ها و تصویبهای کمیسیون توسط محترم پوهاند محمد رحیم الهام یادداشت میگردد. بنابر سفارش اعضای کمیسیون ، رساله «روش املاي زبان دري» سرانجام توسط استاد پویا فاریابی تنظیم و نگاشته شد.

انجمن نویسنده گان مراتب سپاسگزاری عمیق خود را به اعضای اصلی و مشاور کمیسیون و به محترم پویا فاریابی که در نگارش و اهتمام رساله «روش املاي زبان دري» سهم فعال گرفته اند، تقدیم میدارد.

از آنجا که این رساله بر پایه نتایج پژوهشها ، مطالعات و گفتگوهای علمی و ادبی گزیده ترین استادان ، دانشمندان و نویسندگان نامور کشور نگارش یافته است ، بدون ترس از اشتباه ، تا مدتهای درازی میتواند و باید برای شاگردان ، معلمان ، نویسندگان و ژورنالیستهای افغانستان و منطقه سرمشق قرار گیرد .

به امید شگفته گی فرهنگ و ادبیات افغانستان !

دستگیر پنجشیری

رئیس انجمن نویسندگان افغانستان

## پيشگفتار

### الفباي زبان دري

\* ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه (ه، ۴) ء ی .  
هر یک از نمودارهای نوشتاری بالا «حرف» یا گرافیم (Grapheme) ، یعنی واحد نوشتاری،  
نامیده میشود.

هر کدام از حرفهای ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن  
نمودار از نگارش یک واک یا فونیم (Phoneme) ، یعنی واحد آوازي زبان دريست. بايد گفت که  
نوشتن درست حرفهای «ت»، «ط»، «ذ»، «ز»، «ظ»، «ض»، «ث»، «س»، «ص»؛ «ع»، «ء»، «ح» و «ه»  
در واژه ها دشواريهاي به بار مي آورد؛ زيرا:

«ت» و «ط»،

«ذ»، «ز»، «ظ» و «ض»،

«ث»، «س»، «ص»،

«ع»، «ء»، و «ا»، «ح» و «ه» را دري زبانان غالباً يك سان تلفظ ميکنند؛ اما اگر در نوشتن ،  
واژه های ویژه يي یکی به جای دیگری نوشته شوند ، معنای آن واژه ها دگرگون میشود یا واژه  
بیمعنی میگرددند. به گونه نمونه، هرگاه واژه «حرص» را به سان «حرث» و «حرس» یا واژه «توت» را  
به صورت «طوط» و یا واژه «حرف» را به شکل «هرف» (به همین گونه ممکن است «عمل» را «امل» یا  
«حمل» را «همل» و مانند آن) بنویسیم ، مفاهیم واژه ها دگرگون یا واژه ها بیمعنی میشوند. برای  
درست نوشتن واژه ها ، راه و روش ویژه يي وجود ندارد. بايد هر نویسنده هیئت درست چنین واژه ها  
را بشناسد و هریک را درست بنویسد.

\* در نظام الفبایی زبان دري این حرف [ آ ] نیامده است ؛ مگر چون به مثابه نمودار نگارشی  
صوت / á / در آغاز و گاهی در میانه واژه به همین شکل نوشته میشود ، در نظام الفبایی به حیث یک  
حرف پذیرفته شد و تجویز گردید تا در فهرست الفبا به حیث نخستین حرف نوشته شود. مثالهای  
کاربرد آن بدین گونه است:

در آغاز واژه : آب ، آمد ، آورد ، آینده ، آرمان ، آشفته ،

در میانه واژه : جالتمآب ، مآثر ، مآل .

از شمار حرفهای الفبای دری «آ، و، ی» نمودار واکها (واحد‌های آوازهای گفتاری) و اول اند. واولها، که آنها را در عربی «حروف علت» و در زبان دری «مصوتها» و «صدادارها»<sup>\*</sup> گفته اند. واکه‌ایی اند که به هنگام تولید آنها، توسط دستگاه تولید آوازهای زبان، در جریان هوای تنفس، که آواز در واقع از اهتزاز و جنبش آن پدید می‌آید، هیچ گونه بندشی صورت نمی‌گیرد و بر اساس اختلاف موقعیت و حالت عضلهٔ زبان در خالیگاه دهن و پدید آمدن تفاوتی در وضع و شکل لبها از هم تمایز می‌یابند و نیز در ساختار زبان همواره اوجهای هجاها (کرسیهای فشار و تکیهٔ واژه‌ها) را تشکیل میدهند. همچنان حرف «ه»، که در نوشتن تالیها (واریانتها – الوگرافها) ی<sup>\*\*</sup> گوناگون «ه، ۴» دارد، گاهی نمودار و اول است که ما «های غیر ملفوظ» مینامیم.

و اما کانسونانتها، که در عربی حروف صحیح و در دری حروف صامت یا بیصدا نامیده میشوند، واکه‌ایی اند که به هنگام تولید آنها، توسط دستگاه تولید آوازهای زبان، در جریان هوای تنفس بندشی جزئی یا کلی ایجاد میگردد و چنین واکها در ساختار زبان هیچ گاهی اوج هجا را تشکیل نمیدهند، بل در حاشیهٔ اوج هجا قرار میگیرند.

در نظام نوشتاری زبان دری درست نوشتن کانسونانتها، جز آنچه بیشتر گفتیم و نمونه‌هایی آوردیم، دشواریهای ژرف و پیچیده کمتر است؛ زیرا هر حرف نمودار یک واکه ویژه است. اما دشواریهای اساسی و ژرف بیشتر در درستنویسی حروف و اول است؛ زیرا هر حرف و اول نمودار چندین واکه است و چون واولهای واژه‌ها در ساختارهای صرفی و نحوی باهم بیامیزند و یکی در پی دیگر آیند، نویسندهٔ نوکار مشوش میگردد و بسا که دچار اشتباههایی میشود و آهنگ همگونی املایش بر هم میخورد. از سوی دیگر، برای درستنویسی واولها در واژه‌ها از دیر باز، پژوهشگران به تنهایی یا به صورت گروهی تلاشهایی کرده اند که رهنمودهای هر یک یا هر گروه پیروانی دارد. این عوامل و نیز سنت هزار سالهٔ نظام املائی و نگارشی زبان دری، که با جامعهٔ ما دگرگونی پذیرفته

---

<sup>\*</sup> اصطلاح «صدا دار» و «مصوت» دقیق نیست؛ زیرا هر واکه خودش «صدا» و «صوت» است و نمیتوان «صدا» را به صدادار و بیصدا بخش کرد.

<sup>\*\*</sup> **allograph** شکلهای گوناگون هر حرف را گویند که نظر به جای کاربرد تفاوت دارند. چون {ع} {مفرد}، {ء} {آغازین}، {ع} {میانین} و {ع} {فرجامین}، همچنان تالیهای {ه} در «هیج» و «بنده» و «دسته» و «سیهکار». این تالیها به شیوه‌های خط از گونهٔ نسخ و نستعلیق و امثال آنها مربوط نیست؛ زیرا در هر شیوهٔ خط دری هر حرف خودش تالیهایی از گونهٔ مثالهایی که آوردیم، دارد.

و رو به تكامل نهاده است و در دستنويسهاي فراوان از مراحل گوناگون تكامل رسم الخط دري آشكارا ديده ميشود ، باهم در آميخته سبب ناهمگوني املاي واژه ها گرديده است.

براي اثبات اين واقعيت به آوردن گواه نيازي نيست ؛ زيرا هر بركي از كتابي را كه برگردانيم يا به هر اثرى ، خطي باشد يا چاپي ، نظر اندازيم ، به خصوص در مجله ها ، روزنامه ها ، جريده ها ، و حتى در نوشته يك نويسنده ، ناهمگونيهاي بيشماري در نگارش عين واژه ميبايم.

گفتيم كه نوشتن واولها و تركيبهاي آنها در واژه ها و ساختارهاي اشتقايي ، صرفي و نحوي دشواريهاي دارد و ناهمگوني املايي بيشتر از همين رهگذر برخاسته است.

بهرتر است در اين پيشگفتار آن دشواريها را به اختصار برشماريم.

نخستين و دومين حروف الفباي ما داراي شكلهاي زير است :

آ ، ا ، اُ

{ **آ** } در آغاز و ميانه واژه ها نمودار / **á** / (به اصطلاح الف ممدوده) است :

آمد ، آفتاب ، آورد ، آذين ، آبرو ، آتش ، آسوده ، آيين ،

مآل ، جلالتمآب ، كه حرف ماقبل آن نيز متحرك است ، مآخذ ، مآثر ، منشآت .

[ **ا** ] در آغاز واژه :

گاهي نمودار / **a** / ( زبر يا فتحه ) است :

امر ، اي ، انگور ، انار ، اشك ، اگر ، افروخت – ما آن را « الف مفتوح » گوييم ،

گاهي نمودار / **e** / (زير يا كسره) است :

امضا ، اعلان ، اقرار ، امكان ، ايجاد ، امروز ، اثبات – ما آن را «الف مكسور» ناميم .

گاهي نمودار / **u** / (پيش يا ضمه) است :

استاد ، اصول ، اردو ، اجاق ، اسلوب ، امور – ما آن را «الف مضموم» خوانيم .

[ **اُ** ] در ميانه واژه نمودار / **a** / (زبر) است :

مسأله ، مأوا ، مأخوذ ، مأنوس .

در انجام واژه نمودار كانسونات ساكن است :

مبدأ ، منشأ ، ملجأ .

[ **و** ] گاهي نمودار كانسونات / **w** / است :

به تنهائي به حيث { **و** } عطف و ربط ، در حال وصل / **u** / خوانده ميشود ؛ چون :

من و گرز و ميدان و افراسياب .



- و اما در حال فصل / wa / خوانده میشود؛ مانند:
- فرزانه از این که قلم، کتاب و کتابچه اش را نیاورده بود، اندوهگین مینمود.  
در آغاز واژه:
- گاهی نمودار / wa / است؛ مانند:  
وی، ولد، وقت، ورزش.
- گاهی نمودار / wi / است؛ چون:  
وفق، ورد، ولایت.
- گاهی نمودار / wu / است؛ مانند:  
وصول، وحوش، ورود، وقوف.  
در میانه واژه:
- گاهی نمودار / wa / است؛ مانند:  
اول، بین الدول، محول، روند، میوند، کشاورز، نگاور، روک میز.
- گاهی نمودار / wi / است؛ چون:  
متمول، متحول، مشاور، مجاور.
- گاهی نمودار / wu / است؛ چون:  
تعاون، تلون، تحول، تمول، تناول.
- گاهی نمودار گونه یی از / w / (واو معدوله) است؛ مانند:  
خواهر، خوانش، خواهش، خواب، خوار.  
در انجام واژه:
- گاهی نمودار / aw / است؛ مانند:  
نو، جلو، پیشرو، نرو، بدو.
- گاهی نمودار / w / است؛ چون:  
سرو، مرو، تدر\*
- گاهی نمودار / u / (پیش یا ضمه) است؛ مانند:  
خود، خورشید، خوشنود، خوشی.

\* در واژه «عمرو»، چون «عمرو بن لیث» و «عمرو بن عاص»، «و» خوانده نمیشود.

گاهی نمودار / **ū** / (واو معروف) است؛ چون:

توت، خوب، نمود، بود، رنجور، دور.

گاهی نمودار / **o** / (واو مجهول) است؛ مانند:

شور، گور، تور، زور، کور.

در انجام واژه:

گاهی نمودار / **o** / است مانند:

گفتگو، بدخوف، شستشو، آرزو، آبرو.

گاهی نمودار / **ū** / است؛ مانند:

بازو، ناژو، آلو، لیمو.

[ی] گاهی نمودار کانسونانت / **y** / است.

در آغاز واژه:

گاهی نمودار / **ya** / است؛ مانند:

یک، یم، یل، یزد، (شهر یزد، فرخی یزدی).

گاهی نمودار / **y** / است؛ چون:

یار، یابنده، یوغ، یاد، یال.

در میان واژه:

گاهی نمودار / **ya** / است؛ مانند:

درایت، نهایت، سعایت، سیر، مویک.

گاهی نمودار / **ay** / است؛ مانند:

پیوند، پیکار، میگسار، بیعت، دیر (صومعه)\*

در انجام واژه:

گاهی نمودار / **ay** / است؛ چون:

می، وی، پی، نی.

گاهی نمودار / **y** / است؛ مانند:

جوی، موی، بدخوی، روی، شوی (شوهر).

\* گاهی در برخی واژه های عربی مشدد خوانده میشود؛ چون: خیر، نیر، حیز.

[ ی ] همچنان نمودارِ واول است :

در میانه واژه :

گاهی نمودارِ واول / e / (یای مجهول) است ؛ مانند :

دیر ، میوه ، ریو ، دیو ، نیو ، سیر ، شیر (حیوان) ، تیغه.

گاهی نمودارِ واول / í / (یای معروف) است ؛ چون :

سیر ، تیر ، پیر ، شیر ، مُنیر ، فیل ، بیم.

در پایان واژه :

گاهی نموداری / e / (یای مجهول) است ؛ مانند :

مردی (نکره) ، همی ، کتابی.

گاهی نمودارِ واول / ā / (یای معروف) است ؛ چون :

مردی (اسم معنی) ، کتابی (نسبت) ، گفتی ، کشتی.

گاهی در عبارتهای اضافی و توصیفی / yi / خوانده میشود ؛ مانند :

کشتی باربردار ، صوفی وارسته.

باید یادآور شد که زبان گُفتاری دري ( لهجه کابل ) هشت واکِ واول دارد و چندین واول

مرکب (دفتانگ) یایی و واوی از گونه واکهای :

/ūu,oāa,īie/

و دفتانگهای :

/aw,īw,ew,āw,ay,āy,ūy,oy/

که تمام اینها توسط پنج حرف (آ ، ا ، و ، ی ، ه) و ترکیبات آنها نوشته میشوند. از سوی دیگر،

الفبای زبان دري ویژه گبی دارد که الفباهای دیگر ندارند و آن این است که هر حرفِ صامت غالباً

چهار گونه خوانده میشود ؛ چنان که حرف «ب» را هم ساکن، هم مفتوح، هم مکسور و هم مضموم

میتوان خواند. از این نگاه و از نظر مراحل تکامل نظامهای الفبایی، الفبای ما ، هم «فونیک» است،

یعنی دلالت بر واکِ بسیط میکند و ساکن خوانده میشود و هم هجاییست و در عین هجایی بودن بر

هجاهای ci و cu و ca (علامه c نمودار صامت است) دلالت مینماید و مثلاً «ب ، ب ، ب ، ب ، ÷ ب»

خوانده میشود و پیرو هیچ دستور و قاعده یی نیست.

این دشواریها و پیچیده گی ها سبب شده است که از یک سو ، در خواندن بسیاری از واژه ها

اشتباه روی دهد و از سوی دیگر ، در نوشتن واژه ها سرگردانیها و نا به سامانیهایی به بار آید.

هرچند در گذشته از سوی دانشگاه کابل به ویژه دانشکده ادبیات و وزارت معارف وقت تلاشهایی برای همگونسازی املا و نشانه گذاری زبان دري صورت گرفته رهنمود هایی به منظور تدریس به دانشجویان و شاگردان نگاشته شده است ؛ چنان که به سال ۱۳۳۰ یک جزوه درسی به نام «بحث انتقادی بر املا و انشای فارسی» توسط استاد عبدالاحمد جاوید تدوین گردید. سپس به سال ۱۳۴۰ رساله یی در این زمینه به نام «یک روش جدید در املاي فارسی» توسط گروهی از استادان دانشکده ادبیات و دانشمندان وزارت تعلیم و تربیه فراهم آورده شد. این رساله به سال ۱۳۴۲ با اندک دگرگونی و تعدیل به نام «روش جدید در املاي دري» به جای شماره هشتم مجله «بخوان و بدان» به نشر رسید و سپس به سال ۱۳۵۵ با اصلاحات و افزایشهای بیشتری از سوی دانشکده ادبیات و علوم بشری به نشر سپرده شد. آخرین بار رساله یاد شده به سال ۱۳۵۹ توسط استاد لطیف ناظمی به حیث جزوه تدریسی مورد تجدید نظر قرار گرفت. چون در مورد املا و نشانه گذاری زبان دري هنوز هم ناهمگونیها و اختلافاتی وجود دارد ، بنابراین، انجمن نویسنده گان افغانستان بر آن شد تا تازه ترین نظریات را بررسی نموده و رساله یی به حیث رهنمود فراهم آورد و به همین مناسبت، کمیسیونی متشکل از استادان دانشگاه کابل، اکادمی علوم افغانستان و اعضای مسلکی انجمن را برگماشت که رساله تازه یی در این زمینه فراهم آورند تا به صورت همگون در سراسر کشور مورد کاربرد قرار گیرد.

پوهاند محمد رحيم الهام

کابل، عقرب ۱۳۶۳

## بخش نخست

## املا

۱ – هرگاه واژه های مختوم به واوهای / o, ū / (واو مجهول ، واو معروف) مضاف، موصوف یا منصوب قرار گیرند ، پس از آنها یک { ی } می افزاییم :

واو مجهول

الف ( به حیث موصوف :

|                  |       |
|------------------|-------|
| سبوی شکسته       | سبو   |
| شجوی سفید        | شبو   |
| گلوی خشک         | گلو   |
| نموی سریع گلها   | نمو   |
| آبروی برباد رفته | آبرو  |
| گفتگوی سودمند    | گفتگو |

ب ( به حیث مضاف :

|                          |       |
|--------------------------|-------|
| سبوی من                  | سبو   |
| شجوی چمن                 | شبو   |
| گلوی آوازخوان            | گلو   |
| نموی نباتات              | نمو   |
| ماهروی من                | ماهرو |
| آبروی کسان را نباید ریخت | آبرو  |

ج ( به حیث منسوب :

|                |       |
|----------------|-------|
| سبوی استالفی   | سبو   |
| شجوی کابلی     | شبو   |
| لیموی هندی     | لیمو  |
| ماهروی سمرقندی | ماهرو |

واو معروف

الف ( به حیث موصوف :

|      |             |
|------|-------------|
| بازو | بازوی توانا |
|------|-------------|

|    |          |
|----|----------|
| مو | موی سیاه |
|----|----------|

|    |          |
|----|----------|
| رو | روی سپید |
|----|----------|

|    |        |
|----|--------|
| خو | خوی بد |
|----|--------|

( ب ) به حیث مضاف :

|      |                  |
|------|------------------|
| بازو | بازوی رستم زابلی |
|------|------------------|

|    |             |
|----|-------------|
| مو | موی پیر مرد |
|----|-------------|

|    |                   |
|----|-------------------|
| رو | روی دیوارهای بلند |
|----|-------------------|

|    |            |
|----|------------|
| خو | خوی کودکان |
|----|------------|

( ج ) به حیث منسوب :

|       |               |
|-------|---------------|
| خواجو | خواجوی کرمانی |
|-------|---------------|

|     |           |
|-----|-----------|
| آهو | آهوی ختنی |
|-----|-----------|

( د ) هرگاه حرف { و } در پایان واژه ها نمودار کانسونانت باشد ، در حالت‌های موصوف، مضاف و

منسوب حرف دیگری در نوشته نمی آید و همین **واو** با کسره تلفظ میشود ؛ مانند :

|     |          |
|-----|----------|
| دیو | دیو سفید |
|-----|----------|

|      |             |
|------|-------------|
| غریو | غریو جانگاہ |
|------|-------------|

|     |         |
|-----|---------|
| جلو | جلو اسپ |
|-----|---------|

|     |          |
|-----|----------|
| گاو | گاو شیری |
|-----|----------|

۲- به واژه هایی که مختوم به الف ممدوده / ā / باشند ، در حالاتی که موصوف، مضاف و منسوب

قرار گیرند ، یک { ی } افزوده میشود ؛ مانند :

|      |           |
|------|-----------|
| دانا | دانای راز |
|------|-----------|

|     |           |
|-----|-----------|
| صدا | صدای گیرا |
|-----|-----------|

|     |               |
|-----|---------------|
| قبا | قبای ابریشمین |
|-----|---------------|

|     |              |
|-----|--------------|
| شبا | شبهای زمستان |
|-----|--------------|

|     |           |
|-----|-----------|
| هوا | هوای بهار |
|-----|-----------|

|      |          |
|------|----------|
| ژرفا | ژرفای شب |
|------|----------|

۳ - واژه های دخیل از عربی که در اصل مختوم به همزه { ء } بعد از الف باشند ، همزه نوشته نمیشود. در حالات موصوف ، مضاف و منسوب مانند قاعده ۲ تنها یک { ی } به آنها علاوه میگردد ؛ مانند :

|       |              |
|-------|--------------|
| امضا  | امضای استاد  |
| ابنا  | ابنای زمانه  |
| اشیا  | اشیای قیمتی  |
| ارتقا | ارتقای علمی  |
| انشا  | انشای ساده   |
| املا  | املای دري    |
| علما  | علمای کلام   |
| اجرا  | اجرای وظیفه  |
| ایفا  | ایفای نقش    |
| انقضا | انقضای مدت * |

۴ - در واژه های مختوم به «های غیر ملفوظ»، که در آنها حرف { ه } نمودار زبر ( فتحه ، واول / a ) است ، در حالات موصوف ، مضاف و منسوب نشانه { ء } بالای { ه } نوشته میشود ؛ مانند :

|         |                                |
|---------|--------------------------------|
| خانه    | خانه (یا خانهء) علم و فرهنگ    |
| لانه    | لانه (یا لانهء) زنبور          |
| اتحادیه | اتحادیه (یا اتحادیهء) هنرمندان |
| دره     | دره (یا درهء) غوربند           |
| ستاره   | ستاره (یا ستارهء) دنباله دار   |
| قباله   | قباله (یا قبالهء) زمین         |
| نامه    | نامه (یا نامهء) بی امضا        |
| بنده    | بنده (یا بندهء) نفسی           |
| کارنامه | کارنامه (یا کارنامهء) بزرگان   |

\* این گونه واژه ها در ترکیبات عربی مانند اصل عربی نوشته میشوند ؛ چون : اسماء الحسنی و ماوراء النهر.

۵ - هرگاه واژه های مختوم به «های غیر ملفوظ» با {-گان} یا {-ها} جمع شوند، «های غیر ملفوظ» حذف نمیشود؛ مانند:

|            |             |         |
|------------|-------------|---------|
| بندۀ ها    | بندۀ گان    | بندۀ    |
| روندۀ ها   | روندۀ گان   | روندۀ   |
| وابستۀ ها  | وابستۀ گان  | وابستۀ  |
| ستارۀ ها   | ستارۀ گان   | ستارۀ   |
| نویسنده ها | نویسنده گان | نویسنده |
| تشنه ها    | تشنه گان    | تشنه    |

۶ - هرگاه با واژه های مختوم به «های غیر ملفوظ» هرگونه پسوند یا واژه های دیگر بیایند، «های غیر ملفوظ» حذف نمیشود؛ مانند:

|             |            |           |        |
|-------------|------------|-----------|--------|
| تشنه گونه   | تشنه وار   | تشنه گی   | تشنه   |
| وارستۀ گونه | وارستۀ وار | وارستۀ گی | وارستۀ |
|             |            | همبستۀ گی | همبستۀ |
|             |            | چگونه گی  | چگونه  |
| نامۀ اش *   | نامۀ ات    | نامۀ ام   | نامۀ   |

۷ - هرگاه واژه های مختوم به «یای معروف» / i / و «دفتانگهای یایی» / ay, ūy, oy, āy / در حالات موصوف، مضاف و منسوب آیند، پس از آنها چیزی در نوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

|            |      |
|------------|------|
| چوکی معلم  | چوکی |
| قیچی خیاطی | قیچی |
| چای سبز    | چای  |
| نی شکسته   | نی   |
| بوی خوش    | بوی  |
| خوی بد     | خوی  |

\* عده یی از دانشمندان به این عقیده هستند و مجاز میدانند که در واژه های مختوم به «های غیر ملفوظ» مثل بندۀ گی، آشفته گی، نویسنده گی و نویسنده گان، {ه} (های غیر ملفوظ) نوشته نشود؛ اما کمیسیون به خاطر رعایت وحدت املايي نوشتن {ه} را در همچو واژه ها مرجع میدانند.



۸ - با واژه هايي که مختوم به حرفهاي نمودار صامتها باشند، در حالات موصوف، مضاف و منسوب يا هنگام پيوستن پسوندهاي ضميري و جمع و پسوندهاي نسبتی چیزی در نوشته علاوه نمیشود؛ مانند:

شعر: شعر نو، شعر سعدي، شعر من، شعرم، شعرش، شعر دري،  
جلو: جلو کهنه، جلو اسپ، جلو او، جلوم، جلوش، جلو چاچي،  
گل: گل سرخ، گل نارنج، گل تو، گلم، گلش، گل روسي،  
قلم: قلم خودکار، قلم هوشنگ، قلم تو، قلمم، قلمش، قلم چاپاني.

۹ - «هاي ملفوظ» نیز حرف نمودار صامت است. بنابراین، با واژه هايي که مختوم به اين حرف باشند، در حالات موصوف، مضاف و منسوب نیز در حالت پيوستن پسوند جمع يا پسوندهاي ضميري، نسبتی و تنکیر، چیزی در نوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

کوه: کوه بلند، کوهي (نسبتی)، کوهها، کوهي (نکره)،  
کلاه: کلاه سياه، کلاه احمد، کلاه من، کلاه، کلاهش، کلاه عسکري،  
نگاه: نگاه افسونگر، نگاه دلدار، نگاه کودک، نگاهم، نگاهش،  
نگاه عاشقانه، نگاهها، نگاهي (نکره)،  
راه: راه دور، راه پغمان، راهم، راهش، راهها، راهي (نکره)،  
ماه: ماه نو، ماه نخشب، ماه من، ماهم، ماهش، ماه عيسوي، ماهها،  
ماهي (نکره)،

۱۰ - واژه هايي که با آنها ضمير «مان، تان، شان» بيانند، آن واژه ها از اين ضمير جدا نوشته ميشوند؛ مانند:

قلم مان، قلم تان، قلم شان،  
راه مان، راه تان، راه شان،  
زنده گی مان، زنده گی تان، زنده گی شان.

۱۱ - پسوند نکره، پسوند اسم معنی و پسوند صفت نسبتی با واژه هاي مختوم به الف ممدوده {ا}، واو معروف و مجهول {و} و هاي غير ملفوظ {ه} به شکل «يي» نوشته ميشود:  
الف (واژه هاي مختوم به {ا})

دنیا: دنيايي ميخواهم پر از صلح و صفا (پسوند نکره)  
دانا: دانايي، تواناييست (پسوند اسم معنی)

- اعتنا: به من اعتنايي نکرد (پسوند تنکیر)
- آسيا: مسابقات فوتبال آسيائي به زودي آغاز ميشود (پسوند صفت نسبتی)
- ب) واژه های مختوم به واو معروف و مجهول {و}
- ليمو: پروين پيراهن ليمويي پوشيده بود (پسوند صفت نسبتی)
- دو: دويي در دوستي خلل آرد (پسوند اسم معنی)
- مو: او سر مويي هم به برادرش علاقه نداشت (پسوند وحدت)
- ج) واژه های مختوم به های غير ملفوظ {ه}
- نامه: نامه يي به برادرم فرستادم (پسوند نکره)
- سر مه: او پيراهن سر مه يي پوشيده بود (پسوند صفت نسبتی)
- د) پسوند های اسم معنی و تنکیر و ضمیری در واژه های مختوم به {ی} چنین نوشته ميشوند:
- صوفي: صوفيي آنست که هر چه در کف داري بدهي... (پسوند اسم معنی)
- (خواجه عبدالله انصاري)
- يا: صوفيي ميگشت در دور افق... (پسوند نکره)
- (مولوي)
- کشتي: کشتيي از دريا ميگذشت (پسوند نکره)
- يا: کشتيم، کشتيت، کشتيش، کشتي مان (يم، يت... نشانه های ضمیری)
- زنده گي: زنده گيم، زنده گيت، زنده گيش، زنده گي تان (يم، يت... نشانه های ضمیری)
- ۱۲ - {اي} تنها در یک مورد و در صيغه مفرد مخاطب فعل ماضی قريب يا صيغه مفرد مخاطب فعل حال اخباری نوشته ميشود:
- تو در خانه اي، تو رفته اي، گفته اي، برده اي، خورده اي،
- يا: در خانه ام در خانه اي
- در خانه ايد در خانه است
- ويا: رفته ام رفته اي
- رفته ايد رفته اي

رفته است                      رفته اند (رفته استند)

۱۳ – واژه های مختوم به الف ممدوده { ا } ، { ی } ، واو معروف و مجهول { و } و های غیر ملفوظ، { ه } هنگام پیوستن با پسوندهای اضافی به گونه زیر نوشته میشوند :

|         |  |
|---------|--|
| پا      | پایم ، پای مان ، پایت ، پای تان ، پایش ، پای شان ،             |
| جای     | جایم ، جای مان ، جایت ، جای تان ، جایش ، جای شان ،             |
| آرزو    | آرزویم ، آرزوی مان ، آرزویت ، آرزوی تان ، آرزویش ، آرزوی شان ، |
| خانه    | خانه ام ، خانه مان ، خانه ات ، خانه تان ، خانه اش ، خانه شان ، |
| نامه    | نامه ام ، نامه مان ، نامه ات ، نامه تان ، نامه اش ، نامه شان ، |
| زنده گی | زنده گیم ، زنده گی مان ، زنده گیت ، زنده گی تان ، زنده گیش ،   |

زنده گی شان.

۱۴ – «است» ، «استند» و «اند» چنین نوشته میشوند :

الف) پس از واژه های مختوم به الف ممدوده { ا } ،

|         |           |             |           |
|---------|-----------|-------------|-----------|
| دانا :  | دانا است  | دانا استند  | دانا یند  |
| توانا : | توانا است | توانا استند | توانا یند |
| کجا :   | کجا است   | کجا استند   | کجا یند   |

ب) پس از { و } معروف و مجهول ،

(۱) پس از واژه مختوم به واو مجهول :

|           |           |             |             |
|-----------|-----------|-------------|-------------|
| نیکو :    | نیکوست    | نیکوستند    | نیکو یند    |
| بدخو :    | بدخوست    | بدخوستند    | بدخو یند    |
| روبه رو : | روبه روست | روبه روستند | روبه رو یند |

(۲) پس از واژه های مختوم به واو صامت /aw/ ، /áw/ و /ew/ :

|            |              |                   |         |
|------------|--------------|-------------------|---------|
| نو :       | نو است       | نو استند          | نو اند  |
| جلو :      | جلو است      | جلو استند (هستند) | جلو اند |
| گاو :      | گاو است      |                   |         |
| هزار ناو : | هزار ناو است |                   |         |
| ریو :      | ریو است      |                   |         |
| دیو :      | دیو است      |                   |         |

(۳) پس از واژه های مختوم به { ی } معروف و برخی از دفتانگهای یایی ،

|         |           |
|---------|-----------|
| زنده گی | زنده گيست |
| مبتدی   | مبتديست   |
| علمی    | علميست    |
| طبیعی   | طبيعيست   |
| شخصی    | شخصيست    |
| زیبایی  | زيبايست   |
| دانایی  | دانايست*  |

(۴) پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و تمام صامتها ،

|       |             |
|-------|-------------|
| خانه  | خانه است    |
| گواه  | گواه است    |
| زنده  | رنده است    |
| چنین  | چنين است    |
| دیوار | ديوار است   |
| نزدیک | نزدیک است** |

(۵) فعل «نیست» و واژه های پرسشی «گيست» و «چيست» به همین گونه نوشته میشوند.

۱۵ – پیشنهادها :

پیشوندها در زبان دري به دو بخش عمده جدا میشوند : پیشنهادهای صرفی (تصریفی) و پیشنهادهای واژه ساز (اشتقاقی).

پیشوند های صرفی بدین گونه مشخص میشوند :

(۱) پیشوند { می - } یا { همی - }

\* نوشتن این واژه ها با «الف» به شکل زنده گی است ، طبیعی است ، و دانایی است ، نیز جواز دارد.

\*\* بهتر است واژه های مختوم به صامتها را به صورت مشکست ، آسانست ، کمست ، خوبست ، آنست ، همینست ، نزدیکست ، و مانند اینها ننویسیم و الف فعل «است» پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و صامتها حذف نشود.

هرگاه اين پيشوند در جلو فعلهاي آغاز شده به صامت قرار گيرد، با ماده يا اصل فعل پيوسته نوشته ميشود، مانند:

ميگفت، ميروم، ميدانستم، ميخواست، ميرفت، ميديد،

هميگفت، هميروم، هميدانستم، هميخواست، هميرفت، هميديد،

هرگاه با فعلهاي آغاز شده به مصوتهاي «الف مفتوح، مكسور و مضموم» بيايد، جدا نوشته ميشود: مانند:

انداخت      مي انداخت

افروخت      مي افروخت

انگيزد      مي انگيزد

ايستاد      مي ايستاد

افتاد      مي افتاد

افتد      مي افتد

هرگاه با واژه هايي كه با { و } و { ي } آغاز ميابند، بيايد بدین گونه نوشته ميشود:

ميورزد      ميوزيد      مييافت      مييازيد

و اما هرگاه با فعلهاي آغاز شده به مصوت { آ } بيايد، جدا نوشته ميشود؛ مانند:

آراست      مي آراست

آمد      مي آمد

آرميد      مي آرميد

آزمائند      مي آزمائند

آسائند      مي آسائند

(۲) پيشوند { ب - }، كه همواره با فعل مي آيد، به اين گونه نوشته ميشود:

هرگاه با فعلهاي آغاز شده به حرف نمودار صامت بيايد، با فعل پيوسته نوشته ميشود؛ مانند:

بگفت، برفت، بزد، ببيند، بين، برو، بخوان، بگمار.

هرگاه با فعلهاي آغاز شده به حروف نمودار مصوت (الف مفتوح يا مضموم) بيايد، { ا } حذف ميگردد و پيش از فعل { ي } افزوده ميشود؛ مانند:

ايفگند      بيفگند

ايفزود      بيفزود

|   |   |
|---|---|
| افتاد   | بيفتاد  |
| انداخت  | بينداخت   |
| ايستاد  | بايستاد   |
| ايستد   | بايستد  |
| هرگاه با فعلهاي که با «الف مکسور» آغاز شده باشند ، بياید ،                | الف آن نوشته میشود ؛ مانند :  |
| هرگاه با فعلهاي آغاز شده به حروف نمودار مصوتهاي { ی } و { و } بياید ،     | مانند صامتها پيوسته با فعل نوشته میشود : چون :  |
| يافت  | بيافت   |
| ورزيد   | بورزيد  |
| وزيد  | بوزيد   |
| و اما اگر با فعلهاي آغاز شده به حروف نمودار { آ } بياید ،                 | ميان پيشوند و اصل فعل { ی } افزوده ميشود و در نگارش علامت « مد » از آغاز فعل حذف ميگردد ؛ مانند : |
| آيد   | بيايد   |
| آورد  | بياورد  |
| آمد   | بيامد   |
| آراست   | بياراست   |
| آشت   | بياشت   |
| (۳) پيشوند نفی ( ن - ) به اين گونه نوشته ميشود :                          |   |
| هرگاه با فعلهاي آغاز شده با حروف نمودار صامت بياید ،                      | پيوسته با فعل نوشته میشود ؛ مانند :   |
| نخورد ، نرفت ، نکرد ، نورزيد ، نگفت ، نيافت.                              |   |
| هرگاه با فعلهاي آغاز شده به حروف نمودار مصوت (الف مفتوح يا مضموم) بياید ، | ميان اين پيشوند و اصل ، { ی } افزوده ميشود و الف آغازين فعل حذف ميگردد ؛ مانند :                  |
| انداخت  | نينداخت   |
| افروخت  | نيفروخت   |
| افروز   | نيفروز  |
| در واژه هاي «ايستاد» و «ايستد» به اين شکل نوشته ميشود :                   |   |
| ايستاد  | نايستاد   |
| ايستد   | نايستد  |

و اما هرگاه با فعلهای آغاز شده با حروف نمودار { آ } بیاید، میان این پیشوند و اصل فعل، { ی } افزوده میشود و علامه «مد» { ~ } حذف میگردد؛ مانند:

|         |       |
|---------|-------|
| نیامد   | آمد   |
| نیاراست | آراست |
| نیآورد  | آورد  |

(۴) پیشوندِ نهی { م - } نیز خصوصیت پیشوندِ نفی را دارد و با فعلهای آغاز شده به حروف نمودارِ صامت پیوسته نوشته میشود؛ مانند:

مکن، مرو، مخور، مزن، منشین، مگو، مخوان.

و اما هرگاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودارِ مصوت بیاید، مانند پیشوندِ نفی نوشته میشود؛ چون:

|          |        |          |        |
|----------|--------|----------|--------|
| میفروزید | میفروز | نیفروخت  | افروز: |
| میفگنید  | میفگن  | نیفگند   | افگن:  |
| میآید    | میا    | نیامد،   | آ:     |
| مایستید  | مایست  | نایستاد، | ایست:  |

(۵) پیشوندهای واژه ساز:

پیشوندهای واژه ساز تا حد امکان باید با اصل واژه پیوسته نوشته شوند؛ مانند:

ام: امروز، امشب، امسال،

بی: بیکار، بیدل، بینوا، بیرنگ، بیدرنگ.

هرگاه پیشوندِ { بی - } با واژه هایی بیاید که با حروف نمودارِ مصوتِ { آ، ا } آغاز شوند، جدا نوشته میشوند؛ مانند:

بی آب، بی آبرو، بی آزار، بی ادب، بی اراده، بی انصاف.

همچنان هرگاه به حیث پیشینه به کار رود، از اصل واژه جدا نوشته میشود؛ مانند:

بی چون و چرا، بی گفت و شنود، بی خورد و خواب.

پسوندها نیز مانند پیشوندها تا حد امکان با واژه ها پیوسته نوشته میشوند؛ مانند:

نیلگون، نیلفام، ستمگر، باغبان، بهتر، پریوش، ماهوش، مهوش، دانشمند، هدفمند، گلزار، نیستان.

۱۷ - پسینه { را } از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند:

کتاب را، قلم را، آدم را، این را، فرهنگ را، دانش را، دیوان را، مشکل را.

۱۸- پسوند جمع {-ها} با واژه ها پیوسته نوشته میشود؛ چون:

کتابها، قلمها، دستها، دلها، باغها، جنگلها، کوهها، چوکیها، الماریها، آدمها، عربها، افغانها، ایرانیها، هندیها، آسیایها، افریقایها، امریکایها، جایها، پایها، مویها، جویها، رویها.

واژه هایی که به «های غیر ملفوظ» پایان یافته باشند، در صورت جمع بستن با «ها»، حرف {ه، ه، ه} در پایان واژه حذف نمیشود؛ چون:

نامه - نامه ها،

خانه - خانه ها،

جامه - جامه ها،

افسانه - افسانه ها\*

(۱۹) واژه های مرکب تا حد امکان یکجا نوشته میشوند؛ مانند:

پیشرفت، پیشنهاد، پیشرو، پیشاهنگ، هماهنگ، رویداد، روانکاو، روانشناسی، زبانشناسی، زیباشناسی، دستیاب، پایپاک، صاحبدل، صاحبنظر، گلفروش، میفروش، دلارام، دلاویز، نیکنام، نیکبخت، خوشحال، جهانی، جهانساختی، دستنویس، جهانگرد، آسمانخراش، آموزشگاه، پرورشگاه، باشگاه، دانشگاه، گفتگو، جستجو، دوستدار، هیچکاره و امثال اینها.

و اما این واژه ها: پیرهن چاک، افسوس کنان، شست و شو، شکست ناپذیر، عدالت شعار، شماتت ورزی، که یکجا نوشتن آنها سبب دشواری و ثقلت در خواندن میشود، باید جدا نوشته شوند.

\* این واژه ها و ترکیبهای ویژه دري که برخی از نویسنده گان آنها را با نشانه های {ات و جات} جمع میندند - هر چند مربوط به املا نیست - با نشانه های « - ها » و « - آن » به این گونه نوشته میشوند:

باغ - باغها، ده - دهها، (دهکده ها، روستاها)، سبزی - سبزیها، دسته - دسته ها، کوهستان - کوهستانها، پرزه - پرزه ها، میوه - میوه ها.

نوشته - نوشته ها، کارخانه - کارخانه ها، خواهش - خواهشها، فرمایش - فرمایشها، نمایش - نمایشها، سفارش - سفارشها، گزارش - گزارشها، پیشنهاد - پیشنهادها.

تمام واژه های دخیل به هنگام جمع بستن با علامه های ویژه زبان دري یعنی «ها» و «-ان» جمع بسته میشوند.



واژه های دخیل زبان عربی، که در آن زبان با علامه های جمع سالم عربی « - ون ، - ین ، - ات » جمع بسته میشوند؛ هنگام جمع بستن در زبان دري تا حد امکان باید با علامه های جمع ویژه زبان دري ( - ها ، - ان ) جمع بسته شوند مانند :

معلمان ، محصلان ، محققان ، مفتشان ، مهندسان ، عالمان ، فاضلان ، مورخان ، کاتبان ، ناظران ، منشیان ، مأموران ، آمران ، مدیران ، وزیران ، کلمه ها، سیاره ها ، طیاره ها ، واقعه ها ، عادتها و امثال اینها.

بنابراین، جمع بستن این واژه ها به گونه باغات، دهات، میوه جات، سبزی جات، پرزه جات، کارخانه جات ، خواهشات ، فرمایشات ، گزارشات، سفارشات، پیشنهادات - هرچند به کار هم رفته است - **نادرست است** و کاربرد علامه های { جات } یا { ات } با واژه های دري به هیچ صورت جایز نیست.

۲۰- تنوین (دو زبر ، دو زیر ، دو پیش در حرف آخر واژه ها) :

تنوین تنها بر واژه های عربی نوشته میشود و در زبان دري تنها تنوین «دو زبر» بر واژه های عربی رایج میباشد\* که قواعد نوشتن آن چنین است:

الف) بنابر قاعده کلی و رایج در پایان واژه مورد نظر «الفی» می افزاییم و بالای آن «دو زبر» مینویسیم؛ مانند:

اصلاً، اجمالاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، مثلاً، ابدأً، فوراً، مختصراً، حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتاً، ندرتاً.

ب) تنوین «دو زبر» در واژه های عربی مختوم به همزه { ء } بر سر همزه نوشته میشود؛ مانند:

استثناء      استثناء      و      جزء      جزء

۲۱- واژه های همزه دار:

همزه {ء} ویژه واژه های عربیست.

همزه در واژه های عربی هم در آغاز، هم در میانه و هم در انجام می آید و شیوه نوشتن آن دستورهای ویژه یی دارد، اما بحث ما در باره طرز نوشتن «همزه» در واژه های دخیل عربی در زبان دریست که به گونه زیر مشخص میشود؛ مانند:

\* یک نکته دستوری : کاربرد تنوین با واژه های غیر عربی در زبان دري درست نیست؛ چون: تيلفوناً ، تلگراماً ، زباناً ، ناچاراً ، ناگذیراً .

(۱) در آغاز واژه های عربی به شکل { ا } نوشته میشود؛ چون:

اتفاق ، اتحاد ، امت ، اصحاب ، ایجاد ، امتنان.

(۲) هرگاه همزه در پایان واژه ها بر کرسی { ا } یا { و } نشسته باشد ، همزه حذف نمیشود؛ مانند:

مبدأ                      مبدأ زبان دري

لؤلؤ                      لؤلؤ ناب

رؤیت                      رؤیت هلال

(۳) در آن دسته از واژه های عربی که بر وزن «فاعل» ، «فواعل» و «فعائل» باشند ، در زبان دري

به جای همزه { ی } نوشته میشود؛ مانند:

املاي دري                      اصل عربي (بر وزن فاعل)

قایل                      قائل

سایل                      سائل

مایل                      مائل

جایز                      جائز

نایل                      نائل

املاي دري                      اصل عربي (بر وزن فواعل)

فوائد                      فوائد

نواب                      نواب

جوایز                      جوائز

عواید                      عوائد

املاي دري                      اصل عربي (بر وزن فعائل)

شمایل                      شمائل

قبایل                      قبائل

دلایل                      دلائل

حمایل                      حمائل

اوایل                      اوائل

مسایل                      مسائل

فضایل                      فضائل

(۴) هرگاه حرکت حرف ماقبل همزه فتحه باشد؛ همزه بر کرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند: تأثیر، تألیف، تأویل، تأریخ، رأس، یأس، مأمور.

(۵) هرگاه حرکت ماقبل همزه ضمه باشد، همزه بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: مؤمن، لؤلؤ، مؤتمن، مؤذن.

(۶) همزه ماقبل متحرک بر کرسی { و } اول نوشته میشود؛ مانند: رؤوف، داؤود، رؤوس، شؤون\*

(۷) همزه مکسوزر ماقبل متحرک بر کرسی { ی } (یای بی نقطه) نوشته میشود؛ مانند: رئیس، لئیم

(۸) همزه مفتوح ماقبل ساکن بر کرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند: مسأله، مسألت.

(۹) همزه مفتوح ماقبل { ی } ساکن بر کرسی { ی } (یای بی نقطه) نوشته میشود؛ مانند: هیئت، خطیئت، بریئت.

(۱۰) همزه مکسور ماقبل بر کرسی { ی } (یای بی نقطه) نوشته میشود؛ مانند: اسئله (جمع سؤال)، افئده (جمع فؤاد به معنای دل)، تخطئه.

(۱۱) همزه ماقبل مضموم و مابعد الف بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: سؤال، فؤاد.

(۱۲) همزه مضموم ماقبل ساکن و مابعد { و } بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: مسؤول، مروؤوس، مشؤوم.

(۱۳) واژه های مأخذ (جمع مأخذ)، لآلی (جمع لؤلؤ)، مآل، مآب، مآثر، متحدالمآل، اجراءات، اقتضآات، قراءات (جمع قرائت)، منشآت، جرآت، قرائت، تبرئه، ارائه، برائت، توطئه، تخطئه، نشآت و دنائت به همین شکل نوشته میشوند.

(۱۴) واژه هایی که در اصل عربی همزه ندارند، بدون همزه نوشته میشوند؛ مانند: موفق، موقت، موظف، موجز، مصون.

(۱۵) واژه هایی که در اصل عربی همزه دارند، در شکل فاعلی و مفعولی با همزه نوشته میشوند؛ مانند:

\* در متنهای کهن عربی این واژه ها به شکل رؤف، مسؤل و داؤد هم آمده است.

مؤرخ (از تاریخ)، مؤدب (از تأديب)، مؤكد (از تأکید)، مؤنث (از تأنيث)، مؤخر (از تأخير)، مؤثر (از تأثير).

(۱۶) همزه يي که در پايان واژه های عربي بدون کرسی نوشته میشود، حذف نمیگردد؛ مانند: سوء و جزء (جزو) و شی، (در زبان دري اين واژه به شکل «شی» و جمع آن «اشیا» نوشته میشود).  
۲۲ - الف مقصوره:

در عربي «الف مقصوره» يايست ([ی]) در پايان واژه ها که {آ} خوانده میشود. چنین واژه ها در املاي دري مانند اصل عربي نوشته میشوند؛ چون:

عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، الی، اولی، علی.

هرگاه چنین واژه ها مضاف، موصوف، منسوب و در عبارتها و ساختارهای دستوري دیگر واقع شوند، {ی} به صورت {ا} نوشته میشود و قاعده واژه های مختوم به {ا} بر آنها تطبيق میگردد؛ مانند:

|      |                                      |
|------|--------------------------------------|
| عیسی | عیسای مریم                           |
| موسی | موسای کلیم الله                      |
| معنی | معنای واژه ها، واژه های چندین معنایی |
| لیلی | لیلای قشنگ، کرشمه لیلایی             |
| شوری | شورای وزیران                         |
| یحیی | یحیای برمکی                          |

هرگاه این گونه واژه ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربي به صورت زیر نوشته میشوند:

|       |        |
|-------|--------|
| موسی  | موسوی  |
| عیسی  | عیسوی  |
| معنی  | معنوی  |
| گنجه  | گنجوی  |
| قبیله | قبیلوی |

و اما در املاي زبان دري اشکال زیرین را به خود میگیرند:

|      |        |
|------|--------|
| موسی | موسایی |
| عیسی | عیسایی |
| معنی | معنایی |

گنجه  
گنجه يي  
قبيله  
قبيله يي

واژه های زیر در حالت‌های فاعلی و مفعولی به دو شکل نوشته میشوند:

| شکل فاعلی | شکل مفعولی |
|-----------|------------|
| مدعی      | مدعا*      |
| محتوی     | محتوا      |
| مستوفی    | مستوفا     |
| مقتضی     | مقتضا      |
| منتهی     | منتها      |

نوشتن واژه های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دري با «الف» مرجع دانسته میشود؛ مانند:

بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا.

۲۳ – هرگاه واژه «ابن» در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته میشود:

ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید.

و اما هرگاه «ابن» در بین دو اسم خاص آید، {ا} ان در نوشته حذف میشود؛ مانند:

محمد بن احمد دقیقی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی، حمزه بن حسن اصفهانی،

حمزه بن علی\*\*

\* و «مدعی» به صورت «مدعا» تلفظ شده؛ اما به عنوان اصطلاح فقهی (کسی که بر وی دعوا صورت میگیرد) به شکل «مدعی علیه» نوشته میشود.

\*\* هرچند در این واژه ها {ا} محذوف است، بعد از {ی} به صورت فتحه و بعد از دیگر حروف به صورت کسره تلفظ میشود؛ مانند:

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل      یحیی بن مظفر ملک عالم عادل

(حافظ)

شنیدم که اعشی به شهر یمن شد      سوی هودة بن علی یمانی

(منوچهری)

۲۴ – هرگاه واژه های «بعض، برخ، بخش» در عبارتهای اضافی، توصیفی و نسبتی آیند، چنین

نوشته میشوند:

بعض مردم، برخ اول، بخش دیگر؛ اما اگر پس از آنها پیشینه «از» آید، چنین نوشته میشوند:

بعضی از مردم، برخی از اشعار مولانا، بخشی از نظریات ابن سینا.

و اما اگر نکره واقع شوند (به سان دسته یی، گروهی، عده یی) به شکل زیر نوشته میشوند:

بعضی این طرف رفتند و برخی آن طرف.

برخی به موضوع دلچسپی نشان دادند و برخی بیتوجه ماندند.

بعضیها باور دارند و برخیها آن را نمیپذیرند.

۲۵ – واژه های «این» و «آن» جدا نوشته میشوند؛ مانند:

این مکتب، این خانه، این مرد، آن زن، آن شخص، آن دکان، آن دفتر، آن طرف،

این زمان، آن زمان، این وقت، آن وقت، این چنین، آن چنان، این کس، آن کس، این طور، آن

طور، این گونه، این سو، این جا، آن جا، این که، آن گاه.

همچنان واژه های «همین» و «همان» نیز جدا نوشته میشوند؛ مانند:

همین که، همان گونه، همین طور، همان طور، همین سان، همان سان.

۲۶ – {که} از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند: مردی که آمد، چنان که گفته آمد، وقتی که

گفتی، زمانی که مطمئن شدی.

و اما واژه های «چگونه»، «چرا»، «چطور»، «چنانچه»، «آنچه»، و «آنکه» به همین شکل نوشته

میشوند.

۲۷ – واژه «هیچ» جدا نوشته میشود؛ مانند:

هیچ چیز، هیچ کس، هیچ گونه، هیچ صورت، هیچ جا، هیچ وقت، هیچ گاه، هیچ یک، هیچ

کدام.

۲۸ – {کی} و {چی} پرسشی به شکل زیر نوشته میشوند:

کی می آید؟ کی گفت؟ تو به کی گفتی؟ چی گفتی؟ چی میخواهی؟ چی چیزی میتواند تو را

مطمئن گرداند؟

۲۹ – واژه های عربی به وزن «تفعیل» چنین نوشته میشوند:

تعیین، تمییز، تغییر (با دو { ی })

۳۰ – ترکیبهای عربی مستعمل در دری جدا نوشته میشوند؛ مانند:

ان شاء الله، عن قريب، مع هذا، مع ذالك، من جمله، على هذا، من بعد.

۳۱ – پیشینه ندای { ای } از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند:

ای خدا، ای دوست، ای مرد، ای یار، ای که از راه دور آمده ای.

۳۲ – این واژه ها با دو { و } نوشته میشوند:

کاووس، طاووس، سیاووش، کیکاووس.

۳۳ – برخی از نامهای خاص اروپایی، که نوشتن آنها با { ط } متداول شده است، باید به همان

گونه نوشته شوند؛ مانند:

سقراط، افلاطون، ارسطو.

و اما برخی از واژه های دیگر دخیل با { ت } نوشته میشوند؛ مانند:

اتاق، اتریش، ایتالیا، بریتانیا، امپراتور، پترول.

۳۴ – واژه ها و ترکیبهای زیر به این شکل نوشته میشوند:

| <u>نادرست</u>    | <u>درست</u> |
|------------------|-------------|
| بالخصوص          | بالخصوص     |
| بالعموم          | بالعموم     |
| بالاخص، بلاخص    | بالاخص      |
| بالکل            | بالکل       |
| بالعکس           | بالعکس      |
| بالاخره، بالاخره | بالاخره     |
| خشنود            | خوشنود      |
| خرشید            | خورشید      |
| خرسند            | خورسند      |
| خرد*             | خورد        |
| کهمک، کومک       | کمک         |

\* واژه های «خورسند» و «خورد» در متنها به شکل «خرسند» و «خرد» نیز آمده است.

و اما واژه های زیر به دو شکل به معنیهای مختلف نوشته میشوند :

| به معنای ادا کننده | به معنای ترک کننده |
|--------------------|--------------------|
| سپاسگزار           | سپاسگذار           |
| شکر گزار           | شگر گزار           |
| نماز گزار          | نماز گذار          |
| خدمتگزار           | خدمتگذار           |

۳۵- واژه ها و اصطلاحهای دخیل اروپایی به این شکل نوشته میشوند :

فیودالیزم، سوسیالیزم، کمونیزم، انترناسیونالیزم، انارشیزم، رویونیوم، سکتاریزم، شوونیوم، صهیونیزم، لیننیزم، مارکسیزم، میلیتاریزم، ناسیونالیزم، کاپیتالیزم، نازیوم، لیبرالیزم، ریالیوم، رمانتیسم، کویوم، دکماتیسم، پراگماتیسم، اگزستانسیالیسم.

ایدیولوژی، بیولوژی، سوسیولوژی، سایکولوژی، پسیکولوژی، پداگوژی، دماغوژی، آرکیولوژی، زولوژی، میتودولوژی.

ایدیال، ایده، دموکراتیک، دموکراسی، اکادمی، پاسیف، اکتیف، تلفون، تلگراف، تلگرام، تلویزیون، فلم، کامره، کست، ترانسفارمر، پاراگراف، میخانیک، پروفیسر، داکتر، پلیس، رنسانس، استستیک، سیمینار، جنرال، برس (برس بوت)، بورس (بورس تحصیلی)، بیوگرافی، اتوبیوگرافی، لیسانس، لیسانسه، یونیورستی، میناتور، میناتوری.

## بخش دوم

### نشانه گذاری

نشانه گذاری (که نقطه گذاری، تنقیط، علائم تنقیط و علامات اعجامیه نیز گفته شده است) به کار بردن نشانه های ویژه بیست با ارتباط به نگارش جمله ها و تعبیرها. هدف از کاربرد نشانه ها، بهتر فهماندن مقصود، آسانی و روانی در خوانش، رعایت وقف و مکث، تغییر دادن لحن جمله ها و عبارتها بنابر ضرورت و جزو آنهاست.

چون نشانه ها به جمله ها و عبارتها صراحت بیشتر میبخشند، بنابراین، کاربرد آنها در جاهای مناسب امریست ضروری.

۱- شیوه نوشتن پاراگراف Paragraph



هرگاه نوشته يی آغاز گردد، بايد از حاشیة معمولی در فاصله یک و نیم سانتی متر (یا کمتر از آن) به طرف داخل صفحه نوشته شود.

هر پاراگراف با عین خصوصیت و به همان فاصله به طرف داخل صفحه آغاز میشود.

## ۲- نقطه Full Stop, Period [.]

الف) در پایان جمله هایی که پرسشی، ندایی و تعجبی نباشند، گذاشته میشود؛ مانند:

معبد سرخ کوتل در بغلان است.

هوشنگ از سفر تازه برگشته است.

برادرم از کار خود رضایت کامل دارد.

به او بگو بیاید.

بیاید.

بلی.

ب) پس از مخففات نیز نقطه گذاشته میشود؛ مانند:

این رساله به سال ۱۳۶۳ ه. ش. نوشته شد.

سازمان م. م. یک سازمان جهانیست که همه کشورهای مستقل جهان در آن عضویت دارند.

## ۳- کامه (ویرگیول، سگته) Coma [، ]

الف) هرگاه چند واژه یا عبارت پهلوی هم بیایند، توسط {و} - های عطف به هم پیوند یابند. در همچو موارد {و} - ها حذف و به جای آنها نشانه [،] گذاشته میشود و پیش از فرجامین واژه عطف شده به واژه پیشین {و} نوشته میشود؛ مانند:

هیئت ترکیب یک عمارت باید نماینده هماهنگی، تناسب، جلوه، ابهت، ابتکار، استقامت و صفات دیگر مورد نظر باشد.

یا: نگارش بیروح و غیر هنرمندانه بی تأثیر، یکنواخت، کسالت آور، دلگزای و ناپسند است.

ب) در آغاز و انجام جمله ها و عبارتهایی که شرح و تفسیر جمله ها و عبارتهای پیشین باشند، نوشته میشود؛ مانند:

کاربرد درست نشانه گذاری، که بخش مهمی از نگارش است، در هر حال ضروریست.

یا: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطنپرست بود، همواره اندیشه آزادی و استقلال خراسان را در سر میپورراند.

و یا: ما همواره زیر پر تو آفتاب منطقه گرم، در وادی گیاهان رنگارنگ، با هم میزیستیم.

ج) هرگاه جمله يی با یکی از واژه های «بلی»، «نه»، «نی»، «خیر»، «درست» و امثال آنها آغاز شود، پس از آن واژه کامه [،] و در پی آن بقیه جمله نوشته میشود؛ مانند:

بلی، من اشعار او را خوانده ام.  
 نه، گفته شما درست نیست.  
 نی، ناسنجیده نباید اقدام کرد.  
 درست، میتوان این نظر شما را پذیرفت.  
 اما اگر این واژه ها تنها بیایند، پس از آنها نقطه [.] نوشته میشود؛ چون:

– داستان را تمام کردی؟  
 – بلی.

یا: آیا میخواهی غذایت را همین اکنون بخوری؟  
 – نه.

د) در نوشته های علمی و تحقیقی، در پینویسها، برای جدا کردن مشخصات یک مأخذ (مانند نام مؤلف، جای و سال چاپ و صفحه اثر) نوشته میشود؛ مانند:

الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر، ج ۷، قاهره: ۱۳۴۸، ص ۲۴۷.  
 یا: ابوسعید عبدالحی گردیزی، زین الاخبار، به تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص ۱۲۰ – ۱۲۲.

۴ – سمیکولن (ویرگیول با نقطه، مفرزه) Semicolon [؛]

الف) برای جدا کردن فقره ها و جمله هایی که پیهم آیند و به هم مربوط باشند؛ ولی ایجاب گذاشتن نقطه را ننمایند، نوشته میشود؛ مانند:

از بدکرداران نفرت دارم؛ از ساده لوحان بدم می آید؛ راستان و نیکو سرشتان را دوست دارم.

یا: باید گفت کتابهای درسی مکاتب در زمینه های گوناگون نوشته میشوند، یعنی در جمله کتابهای درسی ریاضی و فزیک هست؛ کیمیا و بیولوژی هست؛ تاریخ و جامعه شناسی هست؛ فلسفه و اقتصاد سیاسی هست؛ هنر و ادبیات هست؛ دستور زبان و زبان شناسی هست و بسیاری از رشته های علمی دیگر هم هست.

ب) در جمله ها پیش از واژه های «مثلاً»، «مانند»، «به حیث مثال»، «به گونه نمونه»، «چون» و امثال آن، که به منظور ایراد مثال بیایند، نوشته میشود؛ مانند:

سهو و فراموشي يا اشتباه و غلطی در کاربرد نشانه ها شاید نوشته یی را بی معنی گرداند یا غیر از آنچه نویسنده خواسته است جلوه دهد؛ به حیث مثال : ...

(ج) در نوشته های علمی و تحقیقی ، هرگاه مطلبی به چندین مأخذ رجعت داده شود ، کامه [،] برای جدا کردن هر بخش یک مأخذ و سمیکولن [ ؛ ] برای جدا کردن هر مأخذ از همدیگر آن نوشته میشود ؛ مانند :

تاریخ بیهقی ، چاپ داکتر غنی و داکتر فیاض ، تهران : ۱۳۴۴ ، ص ۱۲۵ ؛ ترکستان تا هجوم مغول ، بارتولد ، لندن : ۱۹۴۸ ، ص ۷۸ ؛ الکامل فی التاریخ ، ابن الاثیر ، ج ۷ ، قاهره : ۱۳۴۸ ، ص ص ۳۲ - ۳۵ .

(د) در قاموسها معنیهای به هم مربوط یک واژه توسط کامه ها و معنیهای مستقل ، که تحت اعداد «۱» ، «۲» ، «۳» ... می آیند ، توسط سمیکولن جدا میشوند ؛ مانند :

آیدیا ( ایده ) ، اسم :

۱ - پلان ، پروژه ، طرح ؛ ۲ - فکر ، عقیده ، مفکوره ، نظر ، مقصود .

۵ - شارحه ( دو نقطه سر به سر ، بیانیه ) Colon [ : ]

الف) در نقل مستقیم پیش از ناخنکهای دوتایی [ « » ] گذاشته میشود ؛ چون :

آموزگاری به شاگردانش گفت : «خواندن و دانستن درسهای روزانه رمز بزرگ کامیابی در آزمونها سالانه است.»

ب) برای شرح و تفصیل یک مطلب در جمله نوشته میشود ؛ مانند :

عنوانهای اشعاری که در شماره اول سال دوم مجله «ژوندون» چاپ شده اند ، عبارت اند از : قصه هایی از آدمها و تاریخ ، تلاش ، مردی در چشمه ، کتیبه ، شب و ماه و تو .

ج) پس از عنوانهای کوچک کنار صفحه ، که سطر به ادامه آن نوشته شود ، به کار میرود ؛ مانند :

اقسام «واو» در زبان دري : واو در زبان دري پنج قسم است و به نامهای واو عطف ، واو مجهول ، واو معروف ، واو دفتانگ و واو معدول یاد میشوند .

(د) پس از واژه های «مانند ، چون ، به حیث مثال ، به گونه نمونه و ...» ، که به دنبال آنها مثال ذکر شود ، گذاشته میشود .

۶ - فاصله (خط) The Dash [ - ]

الف) پس از شماره های تقسیمات یک موضوع به بخشهای عمده و اساسی نوشته میشود ؛ مانند :

مثنوی به طور عمده چهار قسم است :

۱- مثنوی حماسی

۲- مثنوی غنایی

۳- مثنوی عرفانی

۴- مثنوی حکمی

(ب) به منظور تفسیر و توضیح یک واژه یا یک عبارت نوشته میشود؛ مانند:

ناصر خسرو - شاعر مبارز و دانشمند زبان دري - به سال ۴۸۱ هـ. زنده گی را پدرود گفت.

یا: محمود طرزی - پرکارترین مترجم آثار ابداعي و روزنامه نگار توانا - اشعار زیادی نیز سروده

است.

(ج) گاهی به منظور تفسیر و توضیح یک واژه یا یک مطلب تنها یک بار در پایان یا در بخش آخر

جمله نوشته میشود؛ مانند:

نباید جمله های ما بیجان و ماشینی باشند؛ بلکه باید رشد کنند و بزرگ شوند - بدان سان که

جانداران نمو میکنند و بزرگ میشوند.

(د) در گفتگوی دوفری (دیالوگ)، داستان، نمایشنامه یا فیلمنامه وقتی که از گوینده گان به تکرار

نام برده نشود، پیش از گفتار هر گوینده، که در آغاز سطر نوشته میشود، فاصله [ - ] میگذارند؛

مانند:

مادر با تبسمی از کودک پرسید:

- پدرت را به یاد داری؟

- اوه، بلی!

- میدانی او اکنون در کجاست؟

- در پلخمری.

- آنجا چی میکند؟

- در فابریکه سمنت کار میکند.

یادداشت نخست:

یک نوع فاصله دیگری هم هست که در زبان انگلیسی **Hyphen** نامیده میشود. هایفن با فاصله هم

از نظر شکل و هم از نظر جایهای کاربرد تفاوت دارد. درازی «فاصله» اندکی بیشتر از دو ملی متر و

از «هایفن» یک ملی متر است. هایفن در موارد زیر نوشته میشود:

الف) در واژه های ترکیبی؛ مانند:

عواقب اقتصادی-اجتماعی، دستاوردهای علمی-تخنیکي، زبانهای اندو-اروپايي.  
 ب) هرگاه در چاپ، تايپ یا دستنویس برای نوشتن یک واژه در سطر جای نماند و واژه به دو بخش تقسیم شود، پس از یک بخش واژه در پایان سطر گذاشته میشود. باید به یاد داشته باشیم که هرگز نباید یک هجای واژه را به گونه زیر تقسیم کرد؛ بلکه باید واژه ها را به هجاها تقسیم نمود:

| <u>نادرست</u> | <u>درست</u> |
|---------------|-------------|
| دست-آ-ورد     | دست-آورد    |
| دست آور-د     |             |
| کشو-رداری     | کشور-داری   |
| کشورد-اری     |             |
| کشوردا-ری     |             |

ج) در نوشته های علمی و تحقیق وقتی واژه های نامستقل از گونه پیشوندها و پسوندها به تنهایی نوشته شوند، پیش از پسوندها و پس از پیشوندها، هایفن گذاشته میشود؛ مانند:

م-، یم-، ید (نشانه های ضمیری که در آخر افعال می آیند؛ مانند: گفتم، گفتیم، گفتید).  
 می-، همی- (پیشوندهای استمرار، مانند: میروم، همیرفتم).

اما پیشوندها، پسوندها و علامه های جمع را نباید طوری تقسیم کرد که از اصل واژه توسط هایفن جدا و در سطر دیگر نوشته شوند، یعنی پیشوندها، پسوندها و علامه های جمع با اصل واژه در عین سطر گنجانیده شوند؛ مانند:

| <u>نادرست</u>                             | <u>درست</u> |
|---|-------------|
| کتاب-                                     | کتابها      |
| ها (نقل «ها» در سطر دیگر)                 |             |
| می-                                       | میکرد       |
| کرد (نقل واژه «کرد» در سطر دیگر)          |             |
| خورد-                                     | خوردیم      |
| یم (نقل «یم» جدا از اصل واژه در سطر دیگر) |             |

یادداشت دوم:

گاهی تاییستها، وقتی در پایان سطر جای اندک باقی مانده و نوشتن واژه یی در آن گنجایش نداشته باشد، بدون موجب فاصله یا هایفن را تايپ میکنند تا انجام سطرها با هم متوازن شوند. این

کار کاملاً بیفایده و ناپسند است. باید برخی واژه ها را دراز تاپ کنند (به گونه مثال شکل دراز واژه های کتاب و قلم چنین است : کتاب، قلم) یا همان بخش آخر سطر را خالی بگذارند. همچنان در تاپ و چاپ غالباً به جای کامه [ ، ] فاصله [ - ] میگذارند که به کلی بیمورد و خطاست. باید از این کار اجتناب شود.

#### ۷- نشانه پرسش (سؤالیه، علامه استفهام) Question Mark [ ؟ ]

الف) پس از واژه ، فقره و جمله یی که شکل پرسش مستقیم - و نه غیر مستقیم - را داشته باشد، نوشته میشود ؛ مانند :

شما امروز کجا میروید؟

یا : من از وی پرسیدم : «چی وقت رهسپار هرات میشوی؟»

و یا : چرا به وقت معین در جلسه نیامدی؟

این نشانه در پایان پرسش غیر مستقیم به کار نمیروند. در اخیر پرسشهای غیر مستقیم نقطه گذاشته میشود ؛ مانند :

من از وی پرسیدم که چی وقت رهسپار هرات میشود.

یا : من از جاوید پرسیدم که چرا بیموجب خشمگین گردید.

ب) هرگاه واژه یی ، مطلبی یا نکته یی ، در موضوع مورد تحقیق ، برای محقق نامعلوم باشد و اشتباهی به نظر برسد ، پیش روی آن نشانه پرسش میگذارد ؛ به گونه مثال :

حنظله بادغیسی به سال ۲۱۹ هـ. ق. (؟) در گذشت.

#### ۸- نشانه ندا (نداییه ، اعجابیه ، علامه خطاب) Exclamation Mark [ ! ]

الف) پس از واژه هایی که در محل ندا باشند ، نوشته میشود ؛ مانند :

خداوندا ! بیش از این اعتراف واضحی درباره ناتوانی کسی وجود دارد؟

یا : خداوندا ، مرا در انجام کارهای نیک یاری ده!

اگر واژه های مبین هیجانها ، عواطف و تأثرات تنها به کار روند ، نشانه اعجاب [!] پس از آنها نوشته میشود ؛ مانند :

واحسرتا !

دریغا !

آفرین !

آه !

واخ!

اما اگر پس از آنها جمله يي بيايد ، پس از چنين واژه ها کامه [ ، ] و در پايان جمله ، نشانه اعجاب [!] گذاشته ميشود.

(ب) در پايان جمله تعجبي نوشته ميشود ؛ مانند :

چه بازي جالب و حيرت انگيزي بود!

يا : شگفت سخني!

و يا : چه دروغ شاخداري!

(ج) براي اظهار تأثرات و عواطف ، بيان حالتهاي ناگهاني و هيجاني ، اظهار خوشي ، اندوه ، نفرين

و امثال آن مي آيد ؛ مانند :

آه!

آه ، چه درد جانكاهي!

دريغا!

دريغا ، آن قهر کرده را سير نديدم!

آخ!

آخ ، چه ستم سختي!

حسرتا!

حسرتا ، که بيست سال از ديدار مادر محروم ماندم و تا دم مرگش نتوانستم او را ببينم!

اوه!

اوه ، شما و اينجا!

اوه ، از ديدن شما در اين کشور بيگانه چقدر شادمان شدم!

(د) براي تمسخر و استهزا يا شوخي و مطايبه در پايان جمله هايي که ظاهراً جدي و باور کردني

باشند ، به کار ميرود ؛ مثلاً درباره شخص نادان و ويسوادي چنين گفته شود :

اين است نويسنده توانا و دانشمند نامور کشور!

يا درباره مرد درغگو و لافزني گفته شود :

اين است مردی که از دروغگويي و لافزني نفرت دارد!

يادداشت :

باید گفت که به کار بردن چندین نشانه ندا یا نشانه پرسش در جمله، نادرست است. فرضاً اگر جمله یی هم تعجب آور و هم پرسشی یا هم پرسشی و هم شوخی آمیز باشد، میتوان پس از یک نشانه پرسش، تنها یک نشانه ندا را به کار برد؛ مانند:

اوه، آیا راست میگویی؟ جایزه صد هزار افغانیگی نصیب من شده است؟!]

۹- ناخنکهای دوتایی (قوس کوچک، قوس ناخنک، علامت نقل قول) **Quotation Marks** [(۰)]  
الف) برای نقل مستقیم قول دیگران به صورت روایتی - یعنی از زبان کسی - یا برای نقل قول مستقیم دیگران از کتابهای مأخذ پس از شارحه [:] به کار میرود؛ مانند:  
او گفت: «مقصودت را فهمیدم.»

یا در کتاب هفت قلزم امین احمد رازی چنین آمده است: «بهمین فرمود تا دانشمندان زبان فارسی فصیح وضع کردند و آن را دري نام نهادند.»

ب) برای نشان دادن برخی نامهای خاص (اشخاص، اشیا، جایها، اصطلاحها) نوشته میشود؛ مانند:

«بینوایان» را چندین بار خوانده ام.

یا: منظورم از تذکر عراق «عراق عجم» بود نه عراق کنونی.

ج) برخی از واژه ها و عبارتهایی که به مفهوم خاص و برجسته به کار میروند - که در مواردی در زبانهای اروپایی به حرف کلان نوشته میشوند - در زبان دری میان ناخنکهای دوتایی گرفته میشوند؛ مانند:

ما آن را «دریای خاموشی» نامیده بودیم.

یا: ما همیشه زیر شعاع آفتاب گرم در «وادی علفهای رنگارنگ» یکجا میزیستیم.

د) هرگاه نویسنده، واژه یی را در معنای غیر حقیقی و به معنای مجازی به کار ببرد، آن را میان ناخنکهای دوتایی جای میدهد؛ مثلاً اگر واژه «مادر مهربان» را به معنای دانشگاه در مورد محصلان دانشگاه استعمال کنیم:

بیشتر محصلان دانشگاه میپندارند که تنها با ایستاده گی به عهد و پیمان در برابر قوانین و مقررات دانشکده و ایستاده گی به عهد و قول در برابر همدرسان و یا انجام دادن آنچه «مادر مهربان» از آنها متوقع است، کار پسندیده یی میکنند.

ه) گاهی برخی از واژه های ناآشنای خارجی یا واژه های عامیانه و اصطلاحات فنی و تخنیکی در بین ناخنکهای دوتایی گرفته میشوند؛ مانند:



... بخش مهمتر تجديد نظر ، كوشش براي ساختمان مستحكم و متين ، تعبير كامل و دقيق ، بيان مشخص (كانگريت) و «بسته بندي شده» است كه مقاله خوبی را به وجود مي آورد.

(و اگر در ضمن سخنانی كه در بين ناخنكهای دوتایی نوشته شده باشند ، واژه ها يا سخنانی بيابند كه ايجاب كنند در بين ناخنكها نوشته شوند ، چنين واژه ها يا سخنها در بين ناخنكهای يكتايی بدون نشانه شارحه نوشته ميشوند ؛ مانند :

هوشنگ پرسيد : «چي کسی گفته است ، زنده گی مانند رودخانه است ؟»

يا : او گفت : «منتقدی اين كتاب را ، ضياع وحشتناك كاغذ ، خوانده است.»

يادداشت :

نشانه های پايان جمله ها و سخنهای بين ناخنكهای دوتایی و يكتايی پيش از بسته شدن ناخنكها نوشته ميشوند ؛ مانند :

خسرو گفت : «من از عهده انجام دادن چنين كاری بر نمی آيم.»

۱۰ - كمانكها (قوس ميان ، هالين) Parentheses [ ( ) ]

الف) به صورت كلي و عمومي ، فقره ها و جمله های معترضه ، كه ارتباط دستوري مستقيم با جمله ندارند ، در ميان كمانكها گرفته ميشوند ؛ مانند :

با آگاهی از رها شدن بند ابريشمين جرابش (اگر ابريشمين بوده باشد) آن دختر به پناهگاه درختان بيد رفت.

ب) شماره های تقسيمات دومی موضوع ، معنی يا شرح و تفسير برخی واژه ها ، سنها و مأخذها در بين كمانكها گرفته ميشوند ؛ مانند :

طرز آموزش واژه های نو به سواد آموزان

۱ - قوه ادراك واژه ها نزد سواد آموزان

قوه ادراك واژه ها در خوانش اساساً شامل دو مرحله ميباشد :

(۱) متمرکز ساختن حواس با يك كيفيت و رسیده گی روانی بر شكل واژه ها ،

(۲) انگيزش حس تشخيص و شناسایی واژه ها به خاطر تشخيص يك شكل از اشكال ديگر با توجه

به طرز تلفظ و فرق معانی آنها.

۲ - شیوه انكشاف قوه ادراك واژه ها

درباره شیوه انكشاف قوه ادراك واژه ها ، برخی از محققان معتقد اند كه آموزگار بايد مراحل زیر

را در نظر داشته باشد :

- (۱) نوشتن واژه های نو و ناآشنا با خط خوانا به روی تخته،
- (۲) نشان دادن و شناختاندن حروف هر واژه،
- (۳) تفسیر و توضیح معنای هر واژه با آوردن مثالها،
- (۴) تلفظ صریح، رسا و صحیح هر واژه،
- (۵) موقع دادن به خواندن خاموشانه و فکر کردن سواد آموزان،
- (۶) پرسش آموزگار از هر سوادآموز.

یا: استیشن فضایی، که با چنین سرعتی به دور زمین میچرخید، در حالت بیوزنی همچون یک قمر سیاره زمین (قمر مصنوعی) همراه با ماهتاب (قمر طبیعی) به دوران پیرامون زمین میبردازد.

یا: در آثاری که طی سده های ۱۱ - ۱۵ م. در هند به وجود آمده، سلسله یی از کتابهای دینی نیز به روی برگهای «پالمه» (پالمه نام نوعی درخت بلندبست که دارای برگهای بزرگ و همیشه سبز بوده در بخشهای جنوب میروید) نوشته شده است.

یا: امیر خسرو، دو سال پیش از تألیف «قران السعدین» به سال ۶۹۰ هجری قمری (۳۸ ساله گی) مثنوی بسیار کوتاخر از «قران السعدین» به نام «مفتاح الفتوح» را سرود.

و یا: من سرافرازم که سه سال پیهیم (۱۳۴۳ - ۱۳۴۵ خورشیدی) در شعبه زبان و ادبیات دری دانشکده ادبیات و علوم بشری شاگرد آن جاودانه مرد بوده ام.

ج) در تقسیم موضوعهایی که به حروف الفبا (الف، ب، ج، د، ه، . . .) صورت میگیرد، کمانک گذاشته میشود، یعنی حروف الف، ب، ج، د، با کمانک مشخص میگردد که باری مثالهای آن در این رساله فراوان دیده میشود.

#### ۱۱ - قلابها (قوس کلان، قوس ایستاده، قوس عمودی) Brackets [ ]

الف) قلابها زمانی استعمال میشوند که برخی از مطالب نقل و اقتباس شده، قابل معنی کردن یا شرح و تفسیر یا مقتضی تذکر، افزایش و تکمیل کردن باشد، یعنی نویسنده وقتی بر مطالب منقول و برگرفته، چیزی از خود میافزاید و یا به تکمیل و تصحیح قیاسی متنها میبردازد، آن را میان قلابها جای میدهد؛ مانند:

«در این یادداشت، از جراحی که جنرال جیکسن برداشت [در روز اول جنگ در جبهه چانسلرس ویل] ذکری به میان نیامد؛ ولی از جنرال لی به تقریب فتح بزرگ، ستایش شده است.»

(از کتاب «زنده گی رابرت لی» اثر جونز)

يا : «از خصايص كار نويسنده به كار بردن ملاكهاي شخصي است : . . . فرموده اند ، فردوسي ذهني ساده دارد [از كجا معلوم] . . . بنابر اين ، كم اتفاق مي افتد كه مرز اين ارتباط را دور تر از ذهن ساده خواننده گان قرار دهند.»

(از مقاله «نقدی بر تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی» نوشته علی حصوری)  
و يا : «و مردی [این واقعه] دید و به یوآب خبر داده گفت : 'آب شالوم را دیدم که از درختی بلوط آویخته شد.»

ب) قلابها در تحقیق و چاپ متنهای کهن نیز به همان منظوری که در بالا ذکر شد، استعمال میشوند. مثلاً هنگامی که در بین مطالب یک اثر آوردن مطلبی، نکته یی، تذکری و مانند آن، ضرور باشد و از طرف ناشر یا مصحح، افزوده شده باشد، این مطلب و تذکر افزوده شده در بین قلابها گرفته میشود.

ج) قلابها در زبانشناسی برای ثبت مورفیمها و اصوات نیز به کار میروند.

## ۱۲ - کژکها [ { } ]

کژکها گونه دیگری از نشانه هاست که یا به تنهایی و یا همراه با قلابها و کمانکها هم در زبانشناسی و هم در ریاضیات به کار برده میشوند؛ مانند :

هرگاه پیشوند { بی- } با واژه هایی بیاید که با حروف نمودار مصوت { آ، ا } آغاز شوند، جدا نوشته میشود.

یا :  $A = \{ a, b \}$  که در این جا کژکها برای مشخص و محدود نمودن عناصر یک سیت به کار برده شده است.

و یا :  $2 [ 3 + 4 \{ 6 + 7 ( 8 - 9 ) + 2 \} + 3 ]$

## ۱۳ - سه نقطه (نشانه انصراف، علامت صرف نظر) Ellipses [ . . . ]

این نشانه هنگام حذف یک یا چند واژه یا بخشی از فقره و جمله - خواه از نوشته خود شخص، خواه از مواد و مطالب اقتباس شده - که برای دیگران آشکار باشد و ضرورتی به نوشتن آن نباشد و یا آنچه که از رهگذری قابل نوشتن نباشد، استعمال میشود. باید گفت که در میان جمله سه نقطه [ . . . ] و یا در پایان جمله چهار نقطه [ . . . ] گذاشته میشود؛ زیرا نقطه پایانی جمله نیز بر آن افزوده میگردد.

به کار بردن بیشتر از سه نقطه در وسط جمله و بیش از چهار نقطه در پایان جمله، درست نیست.

## ۱۴ - ستاره Asterisk [\*]

این نشانه برای توضیح یک مطلب مربوط به متن در حاشیه - علاوه بر شماره ها و اعدادی که برای این منظور به کار میروند - گذاشته میشود. گاهی در پاورقی نویسی به جای شماره و عدد ، یک ستاره ، دو ستاره و سه ستاره نزدیک به هم [ (\* ) ، ( \*\* ) ، ( \*\*\* ) ] به کار برده میشود. هرگاه پاورقی در یک صفحه تمام نشود و به حاشیه صفحه دیگر ادامه یابد ؛ در آخر پاورقی این صفحه و شروع پاورقی صفحه دیگر ، یک ستاره جهت راهنمایی گذاشته میشود. همچنان سه ستاره دور از هم [ \* \* \* ] برای جدا کردن بخشها یا قسمتهای داستان یا یک موضوع طولانی به کار میروند تا فاصله سفید بین دو سطر ، بیشتر گردانیده شود.

در زبانشناسی پیش از واژه ها یا جمله های نادرست یا بازسازی شده - از نظر تاریخی - یک ستاره [\*] میگذارند ؛ مانند :

\* من رفتی

یا : بنده گان - ۸ بندک + - ان.

پایان رساله

## دوستان گرامی !

این رساله به شکل فایل پی دی اف به طور مجانی در اختیار تمام علاقمندان قرار داده شده است. لطفاً آن را در حافظه کامپیوتر حفظ کنید، توسط چاپگر یا پرینتر چاپ کنید و اگر به هر وسیله دیگر تکثیر نموده در اختیار علاقمندان قرار بدهید ، خدمت بزرگی را انجام داده اید.

## چنین باد !